

تأملی در سفر پرز به برزیل و آرژانتین صهیونیست‌ها از آمریکای لاتین چه می‌خواهند؟

علی‌اسدی

مدتی است منطقه آمریکای لاتین تبدیل به مقصد بسیاری از دیپلمات‌ها از نقاط مختلف جهان شده است و مقامات کشورهای مختلف به صورت مکرر به کشورهای مختلف این منطقه سفر می‌کنند. این در حالی است که به نظر می‌رسد ایالات متحده نیز با دقت بیشتری تحولات مربوط به این منطقه را دنبال می‌کند. بویژه که مدت‌هاست نگاه دولت‌ها و ملت‌های آمریکای لاتین درباره ایالات متحده تغییر یافته و از تعاملی کامل به تقابلی کامل رسیده است. اخیراً بحث تأسیس پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در کلمبیا نیز شدت خیزش‌را شده و کلمبیا و ونزوئلا را تا آستانه یک تقابل نظامی تمام عیار پیش برده‌است به نحوی که نیروهای نظامی ۲ طرف در مرزهای مشترک کلمبیا و ونزوئلا به حالت آماده باش درآمده‌اند. به واقع به نظر می‌رسد جایگاه آمریکای لاتین در عرصه سیاست خارجی ایالات‌متحده و حامیان‌اش ارتقای محسوسی یافته است و آنها در تلاشند از تبدیل شدن این منطقه به جولانگاه کشورهای مخالف کاخ سفید نظیر ایران، روسیه و حتی چین ممانعت به عمل آورند.

در حال حاضر سران رژیم صهیونیستی به شکلی متوالی به کشورهای منطقه آمریکای لاتین سفر می‌کنند و می‌کوشند سطح مناسبات خود را با کشورهای این منطقه ارتقا دهند؛ هدفی که تاکنون محقق نشده است. چندی پیش اویگدور لیبرمن، وزیر خارجه افراطی رژیم صهیونیستی به این منطقه سفر و از برخی کشورهای آمریکای لاتین دیدار کرده و با سران این کشورها به مذاکره پرداخت. اندکی بعد از سفر لیبرمن، رهبر حزب افراطی اسرائیل خانه ما، شیمون پرز، رئیس رژیم صهیونیستی نیز به این منطقه سفر کرد. در این میان به نظر می‌رسد نخستین و در عین حال مهم‌ترین هدف سران رژیم صهیونیستی از این سفرها تلاش برای کاستن از انزوای بین‌المللی کابینه بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر راست‌گرای این رژیم باشد. از این رو پرز و لیبرمن در سفرهای دوره‌ای خود به آمریکای لاتین کوشیدند جایگاه رژیم‌صهیونیستی را در میان دولت‌های آمریکای لاتین احیا کرده و آن را ارتقا دهند. در این میان با توجه به اینکه میزان جمعیت یهودیان در برخی از کشورهای آمریکای لاتین نظیر آرژانتین نسبتاً زیاد است، سران رژیم‌صهیونیستی به این جمع‌بندی رسیدند که در آمریکای لاتین پتانسیل مطلوبی برای آنها وجود دارد. حال آنکه سفر پرز به این کشورها و بویژه آرژانتین نشان داد این تحلیل از اساس اشتباه بوده است. به هنگام سفر رئیس رژیم صهیونیستی به بوئنوس آیرس، تظاهرات بزرگ ضدصهیونیستی برگزار شد و تظارها کنندگان در شعارهای خود با اشاره به دریافت جایزه نوبل صلح توسط شیمون پرز، وی را تنها لایق نوبل قتل‌عام و کشتار دانستند و این استقبالی بود که بدترین تحلیلگران صهیونیست نیز تصور آن را نمی‌کردند. افزون بر این به نظر می‌رسد مقامات رژیم صهیونیستی با سفرهای مکرر به کشورهای آمریکای لاتین تلاش دارند زمینه را برای کوچ یهودیان به سرزمین‌های اشغالی فراهم کنند، چرا که در سال‌های اخیر رشد مهاجرت معکوس از اسرائیل و فرار یهودان سبب نگرانی مقامات رژیم‌صهیونیستی شده است. این در حالی است که هم‌زمان با سفر پرز، اویگدور لیبرمن، وزیر خارجه این رژیم نیز از هلند و دانمارک و نتانیاهو هم از فرانسه و آمریکا دیدار کردند تا بتوانند با تشدید رایزنی‌های خود از انزوای بین‌المللی اسرائیل در سطح جهان بکاهند؛ ازبایی که با توجه به پافشاری کابینه افراطی رژیم‌صهیونیستی بر مسأله شهرک‌سازی، بیش از هر زمان دیگری محسوس است و حتی در مقاطعی ایالات متحده را نیز در مقابل اسرائیل قرار داده است. نکته قابل توجه دیگر آنکه، صهیونیست‌ها با بحران‌های اقتصادی مواجه هستند از این‌ رو تلاش دارند

با تمرکز بر مناطق ثروتمندی مانند آفریقا و آمریکای لاتین و آسیای مرکزی و فقفاز با استعمار کشورهای این مناطق برای مقابله با بحران اقتصادی خود چاره‌اندیشی کنند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد صهیونیست‌ها با علم به مناسبات نزدیک ایران و آمریکای لاتین از طریق سفرهای مکرر به این منطقه تلاش دارند این تعامل نزدیک را با چالش مواجه کنند. صهیونیست‌ها بدرستی دریافته‌اند که ایران از متحدانی استراتژیک در این منطقه برخوردار است و تعامل نزدیک با این کشورها قدرت چانه‌زنی جمهوری اسلامی را در مناسبات بین‌المللی ارتقا داده است. از این رو در آستانه سفر دکتر احمدی‌نژاد به آمریکای لاتین به منظور جوسازی علیه ایران به دیدار مقامات و سران این منطقه شتافتند تا عملاً تلاش‌های دوجانبه برای ارتقای سطح مناسبات ایران با این منطقه را با شکست مواجه سازند؛ حربه‌ای که کارساز نیفتاد و تأکید لولا داسیلوا، رئیس جمهور برزیل بر مناسبات نزدیک با جمهوری اسلامی، ناکامی سران رژیم‌صهیونیستی را کاملاً عیان کرد. این نخستین سفر رئیس رژیم صهیونیستی به این کشور آمریکای لاتین از سال ۱۹۶۶ تا کنون محسوب می‌شد که به هیچ‌وجه خاطره خوبی برای سران تل آویو بر جای نگذاشت. در حالی است که آمریکای لاتین از این سال‌های دور به عنوان حیاط خلوت آمریکا محسوب می‌شد و هم‌اکنون نفوذ ایران در این منطقه به هیچ‌وجه با منافع آمریکا و اسرائیل همخوانی ندارد بویژه آنکه تهران و کاراکس در سال‌های اخیر روابط خود را به طور چشمگیری گسترش داده‌اند.

روسیه قرار است دکترین امنیتی خود را برای سومین بار تغییر دهد. این دکترین براساس تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر و نقش آفرینی بیشتر مسکو در عرصه بین‌المللی طرح‌ریزی شده است. با توجه به دستور رئیس‌جمهور روسیه قرار است دکترین جدید تا پایان آذرماه سال جاری به اعلام عمومی برسد. مسکو اعلام کرده است تحویل سامانه موشکی S300 و نیروگاه بوشهر به تهران با توقیع همراه خواهد‌شد.بر اساس این تحولات بار دیگر با حسن بهشتی‌پور، کارشناس ارشد مسائل روسیه به‌گفت‌و‌گو نشستیم.

◆ **دکترین امنیت روسیه با توجه به دستور آقای مدودف، رئیس جمهور این کشور قرار است برای سومین بار پس از فروپاشی شوروی تغییر کند، این تغییرات از چه ضرورت‌هایی نشأت گرفته و چه تأثیری در عرصه بین‌المللی خواهد داشت؟**

اطلاعاتی که از این دکترین امنیتی جدید منتشر شده است بر اساس سخنان آقای نیکلای پاتروشف، دبیر شورای امنیت ملی فدراسیون روسیه است. دکترین امنیت ملی روسیه دارای ۸ بند است که باید به صورت جداگانه‌ای هر کدام این بخش‌ها را مورد بررسی قرار داد.

نیکلای پاتروشف دبیر شورای امنیت فدراسیون روسیه در مصاحبه‌ای پیشنویس دکترین نظامی جدید روسیه که در آن وضعیت واردسازی ضربه هسته‌ای به متجاوز و از جمله ضربه بازدارنده تبیین شده است را اعلام کرد.
آنطور که انتظار می‌رود، دکترین جدید تا پایان سال جاری به رئیس‌جمهور روسیه ارائه خواهد شد. در تاریخ است و اسناد پیشین در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۰ را به طور قابل توجه‌ای تکمیل خواهد کرد. روس‌ها در سال ۱۹۹۳ بر این عقیده بودند امکان مناقشه نظامی منفی است، اکنون شرایط جهانی نشان می‌دهد مناقشات، حتی در مقیاس گسترده ممکن هستند. این یک نقطه نظر روسی است که مسکو با توجه به آن تلاش می‌کند دکترین امنیتی جدیدی را تصویب کند.

در سندن جدید، خطرات جدید نظامی از جمله مبارزه بر سر سوخت و انرژی و دیگر منابع با جذب نیروهای مسلح، گسترش ناتو، گسترش سلاح کشتار جمعی و از جمله سلاح هسته‌ای و تورپیم بین‌المللی در نظر گرفته شده‌اند. روسیه کماکان به ناتو به عنوان باز ایحای صلح بنا گسترش ناتو به شرق بویژه اوکراین و گرجستان در جهت تضعیف امنیت ملی روسیه در نظر گرفته شده است.

در این دکترین نظامی قید شده است روسیه مهم‌ترین وظیفه خود را جلوگیری و بازداری از راه‌اندازی هر گونه مناقشه نظامی می‌داند. از نکات قابل توجه این دکترین نظامی بر اساس آنچه آقای پاتروشف اظهار داشته است اجازه استفاده از نیروهای نظامی به‌منظور پاسخگویی به‌اقدامات‌متجاوزانه‌علیه خود یا علیه متفقین روسیه، حفظ یا احیای صلح بنا به تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیگر ساختارهای امنیت مشار کتی است. بر این اساس روسیه می‌تواند در خارج از مرزهای خود به منظور دفاع از منافع ملی‌اش وارد جنگ شود. از دیگر نکات جالب توجه این بند آن است که روس‌ها از متحدان



سخن به میان آورده‌اند و نشان می‌دهد که آنها تلاش می‌کنند بلوک‌بندی جدیدی را مانند بلوک ورشو ایجاد کنند. روسیه در دکترین‌های سابق امنیتی خود همواره اعلام کرده بود، نگاهش به امنیت جهانی از زوایه دفاعی است، اما اکنون ما شاهد یک تغییر جهت مهم در نگاه روسیه نسبت به تحولات جهانی هستیم

به گفته پاتروشف، مفاد مندرج در پیش‌نویس این سند در رابطه با مشکلات سلاح هسته‌ای به

## بین‌الملل

**حسن بهشتی‌پور در گفت‌و‌گو با «وطن امروز»:**

# رؤیای پوچ کاهش تسلیحات اتمی

**روسیه به دنبال بلوک‌بندی جدید نظامی مانند پیمان ورشو است**

سیدبهراد اخلاقی



علی‌غلی محمدی، وطن امروز

گونه‌ای تنظیم شده‌اند که جایگاه روسیه را به‌عنوان قدرتی هسته‌ای که می‌تواند در رابطه با دشمنان بالقوه متوسل به بازداری هسته‌ای شده و نیز از راه‌اندازی اقدامات متجاوزانه علیه خود و متفقینش به روش هسته‌ای بازداری کند، محفوظ می‌دارند.

این گفته امکان استفاده از سلاح هسته‌ای با توجه به شرایط و اوضاع و مقاصد دشمن احتمالی را توسط روسیه امکانپذیر می‌کند که به نظر من قابل‌تامل است. در دکترین امنیت ملی روسیه پیش از این بدین منظور لازم است که در شرایطی که برای امنیت ملی بحرانی باشد، واردسازی ضربه هسته‌ای به متجاوز و از جمله ضربه بازدارنده غیرممکن نیست، روس‌ها تأیید کرده‌اند آماده حرکت به پیش و متمایل به ایده جهان بدون سلاح هسته‌ای هستند، اما بدین منظور لازم است که نه تنها روسیه و آمریکا از سلاح هسته‌ای امتناع کنند، بلکه دیگر کشورهای عضو «باشگاه هسته‌ای» که فعلاً موضع سکوت را اتخاذ کرده‌اند نیز از این الگو پیروی کنند.

آمریکاست. ۲ کشور کماکان سر موضوع مرجعیت رسیدگی به اختلافات و همچنین تخلفات احتمالی درگیر هستند.
■ **خرید نظامی روسیه از خارج همواره از سوی صنعتگران روس با تردید نگریسته شده است. ناو «میسترال» ساخت کشور فرانسه اخیراً وارد بندر سنت‌پترزبورگ شد. نظر شما درباره خریدهای نظامی روسیه از خارج چیست؟**

مخالفتم‌ها در روسیه بیش از هر چیز یک بازار گرمی است. اصل سیاست روسیه آن است که مجموعه‌ای از تسلیحات را خریداری و از روی آن کپی‌سازی کنند. این مساله پیش‌تر به صورت جاسوسی انجام می‌شد؛ به صورتی که جاسوسان روس در کشورهای صاحب صنعت به فعالیت می‌پرداختند و نقشه‌های مربوطه را به روسیه انتقال می‌دادند، اما امروز روس‌ها خریدهای تسلیحاتی خود را به صورت محدود انجام می‌دهند و از این طریق نمونه‌های روسی آن را می‌سازند. این بدین معنی نیست که روسیه از نظر نظامی ضعیف شده است. نگاه روسیه امروز براساس واقعیت‌های موجود در جهان است. براساس محاسبات، ساخت ناو آبی- خاکی در روسیه هزینه‌ای بسیار را بر این کشور تحمیل می‌کند که این مساله نشان می‌دهد نگاه مسکو بر مبنای واقعیت‌های موجود در جهان است. روسیه امروز در تعامل با جهان بسیار متفاوت از دوران شوروی عمل می‌کند. شوروی بر اساس ایدئولوژی با پدیده‌ها برخورد می‌کرد در حالی که روسیه امروز تلاشی می‌کند تا بر مبنای منافع، همانطور که قبلاً هم اشاره کردم نباید فراموش

■ **سفر وزیر خارجه آلمان به روسیه را با توجه به آنکه ایشان هفته آینده عازم اسرائیل هستند چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

این سفر را در چند جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ دولت جدید خاتم مرکل تلاش می‌کند بر اساس سیاست‌های اروپایی آتلانتیکی خود توازنی میان روسیه و آمریکا برقرار کند. توسعه مناسبات روسیه و آلمان همواره در دستور کار برلین و مسکو قرار داشته و برلین بزرگ‌ترین شریک تجاری روسیه است، اما بر اساس گفته‌های وزیر خارجه آلمان این کشور به‌دنبال برقراری روابط استراتژیک با روسیه است. این مساله را می‌توان از چند منظر مورد بررسی قرار داد:

۱- انرژئی: آلمان یکی از اصلی‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی روسیه است و این کشور از اختلافات میان اوکراین و مسکو همواره منضرر شده است. بر این اساس در این گفت‌وگوها آلمانی‌ها توانستند تضمین‌های لازم را از طرف روسی برای امنیت انتقال انرژئی به بخش‌های شرقی خود کسب کنند.

۲- ایران: وزرای خارجه روسیه و آلمان درباره برنامه اتمی ایران به بحث و تبادل‌نظر پرداختند. بر اساس آنچه رئیس‌جمهور آمریکا پیش‌تر آن را عنوان کرده بود، گروه مذاکره‌کننده با ایران بزودی به توافق‌نامه‌ی خود خواهد یافت. بر این اساس مذاکرات میان برلین و مسکو بر آینده نحوه برخورد با ایران موثر خواهد بود.

۳- سیاست خارجی جدید آلمان: وزیر خارجه جدید آلمان از حزب دموکرات آزاد نقطه نظرات

◆ **وزرای خارجه روسیه و آلمان درباره برنامه اتمی ایران به بحث و تبادل‌نظر پرداختند. بر اساس آنچه رئیس‌جمهور آمریکا پیش‌تر آن را عنوان کرده بود، گروه مذاکره‌کننده با ایران بزودی به توافقی نهایی دست خواهد یافت**

متفاوتی در عرصه جهانی بویژه نحوه تعامل با روسیه دارد که در این سفر ایشان سعی کرد روس‌ها را با نگاه جدید دستگاه دیپلماسی آلمان آشنا کند.
■ **این رایزنی‌ها در راستای سفر باراک اوباما به چین بوده و آیا غرب در حال رایزنی برای اتناق نظر ضد سیاست‌های صلح‌آمیز ایران برآمده است؟**
بله، این رایزنی شخصتاً از سفر باراک اوباما به شرق آسیا و خانم کیتونن به این منطقه آغاز

**نگاهی به مخاطرات پیش‌روی دولت کرزای بحران افغانستان راه حل نظامی ندارد**
عبده‌امیدی

مراسم تحلیف حامد کرزای رئیس‌جمهور افغانستان بالاخره بر گزار شد تا وی یک دوره ۵ ساله دیگر سکان هدایت کشور بحران‌خیز افغانستان را به دست گیرد. با این حال کمتر تحلیگری چشم‌انداز مناسبی برای دور دوم ریاست‌جمهوری وی قائل است و همه متفقاً بر این باورند که وی ۵ سال بسیار دشوار را در پیش خواهد داشت. بی‌تردید یکی از مشکلات و مخاطرات مهم حامد کرزای، بحران مشروعیتی است که وی در خارج و داخل کشور با آن دست و پنجه نرم می‌کند. حامد کرزای در انتخاباتی پر حاشیه که حرف و حدیث‌های بسیاری را به دنبال داشت و قلب در آن اثبات شد به پیروزی دست یافت و در حال حاضر رقیب وی دکتر عبدالله عبدالله و همچنین حامیانش وی را مشروع و رئیس‌جمهور قانونی افغانستان نمی‌دانند. هرچند حامد کرزای در مراسم تحلیف خود از آنها درخواست کرد که با دولت همکاری داشته‌باشند اما بعید به نظر می‌رسد که این طیف حاضر به همکاری با دولت حامد کرزای باشد و احتمالاً ترجیح خواهد داد به عنوان اپوزیسیونی قدرتمند، دولت کرزای را به چالش بکشد.

فساد فراگیر در سیستم‌های اداری و دولتی افغانستان نیز از دیگر مشکلات و موانعی است که بر سر راه حامد کرزای وجود دارد. در حال حاضر افغانستان پس از سومالی حائز رتبه دوم فاسدترین کشورهای دنیاست و فساد دولتی و پرداخت رشوه در همه ادارات دولتی و غیردولتی این کشور آیدمی شده است. هرچند حامد کرزای قول داده با فساد موجود مقابله کند اما به نظر نمی‌رسد عمل به این وعده کار آسانی باشد. به باور تحلیلگران، حامد کرزای باید مبارزه با فساد را از سطوح بالا آغاز کند و با شناسایی و برخورد قاطع با مفلسان دانه‌درشت در سطوح بالای مملکتی این اقدام را به قسمت‌های پایین‌تر نیز تسری دهد به نظر می‌رسد در صورتی که مبارزه با فساد از طبقه‌های پایین آغاز شود فایده چندانی بر آن مترتب نبوده و عملاً این کار ایتر خواهد ماند. با این حال با توجه به اینکه جایگاه کرزای بسیار شکننده است، بسیاری معتقدند که او حاضر نخواهد شد به مبارزه با مفلسانی بپردازد که در دستگاه خود وی پرورش یافته و به سمت‌های بالای دولتی دست یافته‌اند. این در حالی است که حامد کرزای با فشارهای بین‌المللی نیز برای مبارزه با فساد حاکم بر افغانستان مواجه است.

ناکامی دولت کرزای در مقابله جدی با فساد مالی- اداری طی ۵ سال اول دوران ریاست‌جمهوری‌اش موجب تیره شدن وجهه دولت وی شد و انتقادهای گسترده‌ای را به همراه داشت. با وجود این فشارها کاستن از میزان فساد در کشور ۱۰۰۰ سال متوالی شاهد جنگ و فائد نپناهدی که برو کراتیج بوده بسیار سخت است.



اما مشکل دیگر کرزای نیز مقابله با شبه‌نظامیان است، هرچند حامد کرزای در جریان مراسم تحلیف خود نیز با طالبان از در دوستی درآمد و از آنها درخواست کرد در دولت حضور یابند و با وی همکاری کنند اما هیچ پاسخ امیدوار کننده‌ای از رهبران این گروه نشنید. طالبان حتی تهدید کرده‌اند که حملات خود را در افغانستان تشدید خواهند کرد

و اعلام کرده‌اند تا خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان حاضر به مذاکره با دولت مرکزی نیستند. این در حالی است که نه‌تنها خیری از خروج ۱۶۰هزار نیروی خارجی مستقر در افغانستان نیست، بلکه به نظر می‌رسد که طرف‌های آینده و با دستور باراک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات متحده، تعداد این افراد به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد. بی‌شک وجود ناامنی گسترده، تشدید نارضایتی‌ها را از عملکرد حامد کرزای به دنبال خواهد داشت و وی باید در این مدت بکوشد تا حد امکان امنیت را در افغانستان بازگرداند. با این وجود ایجاد امنیت در کشوری که دوسوم خاک آن را شبه‌نظامیان در اختیار دارند چندان در دسترس به نظر نمی‌رسد بویژه که گرایش مردم به سمت طالبان کماکان روندی رو به رشد دارد. به باور تحلیلگران این ناپذیری طالبان باید بستری‌های فرهنگی در افغانستان ترمیم و بیش از آنکه در عرصه نظامی هزینه شود باید در حوزه‌های فرهنگی هزینه شود تا تبیین نگاه‌های درست مردم از طالبان فاصله بگیرند. افزون بر این، بیکاری و فقر ر عامل مهم دیگر است که همواره به عنوان عومل مهم رشد طالبان مطرح بوده است چرا که جوانان بیکار برای امرار معاش چاره‌ای جز خدمت زیر پرچم طالبان ندارند.

افزون بر این، مبارزه با مواد مخدر نیز از دیگر مخاطرات پیش‌روی رئیس‌جمهور افغانستان است. پس از اشغال افغانستان توسط ایالات متحده و همپیمانان غربی‌اش تولید مواد مخدر روند صعودی قابل ملاحظه‌ای داشته و نارضایتی جامعه بین‌الملل بویژه همسایگان افغانستان را سبب شده است بویژه تولید و قاچاق مواد مخدر نیز منبع اصلی درآمد طالبان است که با از بین رفتن آنها شرایط حیاتی طالبان قطع می‌شود. از این رو کرزای چاره‌ای جز مبارزه با کشت خشخاش ندارد و برای رسیدن به این هدف نیز باید با برنامه‌ریزی دقیق برای کشاورزی که به کشت خشخاش اشتغال دارند منبع درآمد جایگزینی ایجاد کند.